



با حرف نو، بیان نو و منطق نو، با جوانان گفت‌وگو و گره‌های ذهنی آنها را باز کنید... از شبیه هم نباید رنجید و همچنان که مرحوم شهید مطهری خودش شبیه و پاسخ آن را کشف می‌کرد، باید برای مواجهه با شبیه آماده شد. امام خامنه‌ای «مدظله العالی» ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

روحانیان باید ضمن تسلط بر مبانی فکری، فقهی و فلسفی، مطالعات و آگاهی‌های خود را درباره نیازهای روز و معارف زمان افزایش دهند تا بتوانند پاسخ لازم و اقناع‌کننده را برای سؤالات و شبهات مختلف نسل جوان فراهم نمایند. امام خامنه‌ای «مدظله العالی» ۱۳۷۹/۰۸/۲۵



پرسش‌ها هفته



سال اول - شماره ۱۲ - تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴

طبقه‌بندی: عادی

در این شماره به پرسش‌های زیر پاسخ داده‌ایم:	
آتش بس یا صلح تحمیلی؟	آیا پیروز شدیم؟
فردو در چه وضعیتی است	آیا ممکن است شبیه لبنان شویم؟
	ما و جنگ در منطقه خاکستری

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
اداره تحلیل و هدایت سیاسی

خوانندگان گرامی:

جامعه با سوالات و شبهات بسیاری مواجه است که بخشی از آن ذاتی هر جامعه‌ای بوده و بخشی نیز از سوی رسانه‌های دشمن به جامعه القا می‌شود. در چنین شرایطی افراد و نهادهای دغدغه‌مند موظفند به سوالات و شبهات موجود در اذهان جامعه پاسخ گویند و این یک رسالت ملی و انقلابی در راستای جهاد تبیین مورد تاکید رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

نشریه **پرسمان هفته** تلاش دارد با احصاء سوالات و شبهات موجود در اذهان جامعه مخاطب خود گامی هر چند کوچک در راستای خویشتن‌مبنی بر پاسخگویی به سوالات، شبهات و گره‌گشایی از ابهامات و تردیدهای ذهنی مخاطبان بردارد. بی‌شک، برداشتن این گام‌نو نیازمند همیاری و همراهی فرماندهان، مدیران، مسئولان و هادیان سیاسی در ارائه انتقادات و پیشنهادات سازنده به منظور غنی‌سازی نشریه است.

پرسش اول:

هدف صهیونیست ها از آغاز جنگ علیه نظام اسلامی چه بود و آیا ادعای پیروزی از سوی ما می تواند درست باشد؟

۱. رهبر معظم انقلاب امام خامنه ای مد ظله العالی در پیام اخیرشان تاکید فرمودند که ایران در نبرد با رژیم صهیونیستی به پیروزی رسیده است.
۲. برای معین ساختن طرف پیروز جنگ، باید به موضوع دسترسی به اهداف مورد بررسی قرار گیرد. جنگ با اهداف مشخص بر ملت ایران تحمیل شده است که تحقق نیافت.
۳. اهدافی رژیم صهیونیستی از آغاز بر دو نوع هدف راهبردی و هدف تاکتیکی می توان تقسیم نمود:
 - ۳،۱. **هدف راهبردی:** رژیم صهیونیستی در آغاز جنگ و بنا به گفته نتانیاهو و ترامپ به دنبال دو هدف راهبردی بود:
 - ۳،۱،۱. شکل گیری خاورمیانه نوین (غرب آسیا) با قدرت برتر صهیونیسم و هژمونی و تفوق آمریکا،
 - ۳،۱،۲. براندازی نظام اسلامی بعنوان گفتمان رقیب صهیونیسم و نظام استکبار.
 - ۳،۲. **هدف های تاکتیکی:** اهداف تاکتیکی رژیم صهیونیستی عبارتند از:
 - ۳،۲،۱. هدف رفتاری برای تغییر موضع جمهوری اسلامی در مذاکرات اخیر و نرمالیزه کردن در بلند مدت،
 - ۳،۲،۲. هدف اجتماعی برای تحریک بدنه اجتماعی ناراضی با هدف نافرمانی مدنی و ایجاد آشوب اجتماعی،
 - ۳،۲،۳. هدف عملیاتی برای تاکتیک «تحمیل صفر» با هدف اینکه در هر زمانی اراده نماید بتواند اقدام به انجام عملیات نماید.
۴. اما در این که چرا ایران را می توان پیروز صحنه نامید می توان اضلاع این پیروزی را در موارد ذیل دسته بندی نمود:
 - ۴،۱. رهبری بصیرتمند و با صلابت که برخلاف سایر رهبران دنیا مانند جمال عبدالناصر در سال ۱۹۶۷، پس از ضربه اولیه از سوی دشمن با بصیرت تمام غافلگیر نشده و توانستند ساختار نظامی و کشور را مدیریت کرده و از بحران های پیش رو به سلامت عبور دهند،
 - ۴،۲. ناکام ماندن دشمن در تغییر رفتار جمهوری اسلامی،
 - ۴،۳. ناکام ماندن دشمن در تغییر ساختار جمهوری اسلامی،
 - ۴،۴. امکان بازسازی ساختاری و بازیابی روحی در کوتاه ترین بازه زمانی با وجود شهادت بالاترین سطوح نظامی،
 - ۴،۵. ایجاد همبستگی اجتماعی فارغ از تکررها و تفاوت های جامعه و ناکام سازی دشمن در ایجاد نافرمانی مدنی، این موضوع از آن جهت اهمیت ویژه ای دارد که جامعه ایرانی دارای تفکرات متکثر، متفاوت و گاه متناقضی است ولی داشتن یک غیریت یا دشمن مشترک آن ها را در یک وحدت باورنکردنی قرار داد
 - ۴،۶. تصحیح گزاره ایران ضعیف در ذهنیت دشمن، خصوصا پس از تحولات منطقه که برخی ادعا داشتند که با توجه به این تحولات شکست ایران به راحتی قابل انجام است.

پرسش دوم:

برخی معتقدند که آتش بس همان صلح تحمیلی مد نظر رهبر معظم انقلاب است آیا این نکته درستی است یا اشتباه است؟

در پاسخ به این که «آیا آتش بس اخیر ایران و رژیم صهیونیستی، مصداق یک صلح تحمیلی است؟» چند نکته را باید مد نظر داشت. برای پاسخ روشن، بحث را در ۲ محور اساسی می توان دسته بندی نمود:

۱. معنای دقیق «صلح تحمیلی» در ادبیات رهبر معظم انقلاب: با یک تامل می توان گفت که مهم ترین شاخص های این مفهوم در نگاه ایشان عبارت است از:

۱، ۱. **تحمیل اراده دشمن به ملت ایران:** صلح تحمیلی زمانی رخ می دهد که دشمن بتواند خواسته های خود را بر

جمهوری اسلامی ایران تحمیل کند و ما را وادار سازد که بدون رضایت، شرایط او را بپذیریم.

۱، ۲. **محروم شدن از حقوق مشروع ملی:** در صلح تحمیلی، طرف ایرانی ناچار به صرف نظر از حقوق حیاتی خود می شود؛ خواه این حقوق در حوزه استقلال سیاسی باشد، خواه در زمینه تمامیت ارضی، امنیت ملی یا دستاوردهای هسته ای و دفاعی.

۱، ۳. **پذیرش ذلت سیاسی:** مقام معظم رهبری بارها تأکید کرده اند که یک ملت مقاوم، حتی اگر هزینه بدهد، نباید به صلحی تن دهد که در آن احساس شکست، ذلت و تحقیر حاکم باشد.

۱، ۴. **فروپاشی اراده مقاومت:** صلح تحمیلی زمانی اتفاق می افتد که روحیه ملی و اراده مقاومت در ملت و حاکمیت شکسته شده باشد و طرف ایرانی دیگر توان ادامه دفاع از منافع خود را نداشته باشد.

نکته: یک نمونه تاریخی روشن از این تحلیل، نوع صلح هایی است که برخی کشورهای عربی پس از جنگ های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ با رژیم صهیونیستی پذیرفتند؛ صلح هایی از موضع ضعف و اجبار.

۲. محور دوم و در پاسخ به این که آیا آتش بس صدق صلح تحمیلی است؟ باید با شاخص های فوق، وضعیت آتش بس اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی را بررسی کنیم.

۲، ۱. **آیا اراده دشمن به ایران تحمیل شد؟ قطعاً خیر.** روند جنگ تیرماه ۱۴۰۴ نشان داد که جمهوری اسلامی ایران، پس از پاسخ های کوبنده و درخشان به حملات اولیه دشمن، ابتکار عمل را به دست گرفت. طراحی عملیات های دقیق، نفوذ به عمق راهبردی دشمن و تحمیل ضربات بی سابقه به مراکز حیاتی صهیونیست ها، موجب شد که این رژیم باشد که خواستار توقف جنگ شود.

۲، ۲. **آیا ایران از حقوق مشروع خود عقب نشست؟** باز هم پاسخ منفی است. ایران در جریان مذاکرات مربوط به

آتش بس، نه برنامه هسته ای خود را محدود کرد، نه دست از حمایت از محور مقاومت برداشت، و نه در مواضع منطقه ای و امنیتی عقب نشینی کرد.

۲، ۳. **آیا نشانه ای از ذلت سیاسی یا روانی وجود دارد؟** برخلاف صلح تحمیلی، امروز فضای روانی کشور و محور

مقاومت کاملاً مبتنی بر غرور ملی و تقویت روحیه است. جشن های مردمی، تحلیل های مثبت نخبگان و اعتراف دشمنان به شکست راهبردی خود، همگی نشان دهنده اقتدار ملی ایران است.

۲، ۴. آیا اراده مقاومت تضعیف شده؟ خیر. نه تنها اراده مقاومت در ایران، بلکه در سراسر محور مقاومت و ملل مسلمان و مستضعف تقویت شده است.

پرسش سوم:

یکی از دغدغه های جامعه این است که سناریوهایی که در سوریه و لبنان اتفاق افتاده است در ایران نیز اتفاق بیفتد. آیا چنین شرایطی درباره ایران قابل پیاده سازی است؟

۱. صهیونیست ها تاکتیک پیاده شده در لبنان و سوریه را تاکتیک تحمیل صفر می دانند یعنی این که هر وقت اراده کنند می توانند در این کشورها حاضر و بتوانند اراده نظامی خود را تحمیل کنند.

۲. منظور از سناریوی لبنان در ادبیات امنیتی، اشاره به وضعیت فعلی است که رژیم صهیونیستی با استفاده از شبکه های جاسوسی، نفوذ میدانی و پهبادی، گاهی اقدام به ترور و خرابکاری در خاک لبنان می کند؛ در حالی که به دلیل محاسبات بازدارندگی حزب الله، فعلاً از یک جنگ تمام عیار پرهیز دارد. این یک جنگ زیر آستانه ای (Low-intensity conflict) است که دشمن تلاش می کند با ضربات نقطه ای، توازن امنیتی را به نفع خود تغییر دهد.

۳. پاسخ این سؤال که چرا سناریوی لبنان، یعنی تاکتیک تحمیل صفر رژیم صهیونیستی در ایران قابل تحقق نیست به شرایط ذیل بستگی دارد:

۱، ۳. رهبری قوی، حکیم، بصیر و توانمند،

۲، ۳. تفاوت های جغرافیایی و استراتژیک: لبنان به دلیل نزدیکی جغرافیایی به اسرائیل و تاریخچه درگیری های متعدد، شرایطی متفاوت با ایران دارد. اسرائیل توانسته با بهره گیری از این نزدیکی، عملیات های ترور و حملات محدود را در لبنان اجرا کند. اما ایران با وسعت جغرافیایی گسترده و فاصله قابل توجه از اسرائیل، از این آسیب پذیری برخوردار نیست. موانع طبیعی و جغرافیایی مانند کوه ها و دشت های وسیع، اجرای عملیات های ناگهانی را برای اسرائیل دشوار می کند. این تفاوت، امکان تحمیل صفر را در ایران کاهش می دهد.

۳، ۳. توانمندی های نظامی و دفاعی: ایران در سال های اخیر توان نظامی خود را به سطحی پیشرفته رسانده است. سیستم های موشکی بالستیک، پهبادهای تهاجمی و سامانه های پدافند هوایی بومی، ایران را به یک قدرت بازدارنده تبدیل کرده اند. این توانمندی ها در برابر حملات رژیم غاصب صهیونیستی، نقش کلیدی ایفا کرد. در مقابل، لبنان به دلیل محدودیت های نظامی و وابستگی به حمایت های خارجی، قادر به چنین بازدارندگی نیست.

۴، ۳. عمق استراتژیک: ایران از عمق استراتژیک بالایی برخوردار است که شامل وسعت سرزمینی، پراکندگی جمعیت و زیرساخت های نظامی می شود. این ویژگی، هدف گیری متمرکز توسط اسرائیل را دشوار می سازد. لبنان اما به دلیل کوچکی جغرافیایی و تمرکز زیرساخت ها، به راحتی آسیب پذیر است.

۵، ۳. تجربه تاریخی: ایران با تکیه بر تجربه های تاریخی مانند جنگ تحمیلی هشت ساله، مقاومت در برابر تحریم ها، پاسخ قاطع به رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر و ...، توانایی مقابله با تهدیدات خارجی را اثبات کرده است. این تجربیات، به ایران کمک می کند تا استراتژی های مؤثری را به کار گیرد. لبنان اما تجربه مشابهی در سطح کلان ندارد و بیشتر درگیر درگیری های محدود بوده است.

۳،۶. **تفاوت در اهداف و استراتژی‌ها:** اسرائیل در لبنان به دنبال اهداف محدود مانند تضعیف حزب الله است، اما در صورت درگیری با ایران، اهداف بزرگ‌تری مانند توقف برنامه هسته‌ای یا تغییر نظام را دنبال خواهد کرد. این اهداف نیازمند منابع عظیم و عملیات گسترده است. ایران با قدرت نظامی خود، چنین برنامه‌هایی را خنثی خواهد کرد.

۳،۷. **پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی:** ایران با ساختار سیاسی منسجم و حمایت مردمی، در برابر تلاش‌های بی‌ثبات‌کننده مقاوم است. نظام جمهوری اسلامی با تکیه بر ایدئولوژی و انسجام داخلی، توانسته فشارهای خارجی را دفع کند. در مقابل، لبنان به دلیل تنوع قومی و اختلافات داخلی، آسیب‌پذیرتر است.

۳،۸. **هزینه سنگین اقدام علیه ایران:** تجربه جنگ اخیر نشان داد که رژیم صهیونیستی توان تحمل ضربات متقابل ایران را ندارد. حمله به حیفا، تل‌آویو و فرودگاه بن‌گوریون، به‌خوبی ثابت کرد که ایران قادر است جغرافیای حیاتی صهیونیست‌ها را در کوتاه‌ترین زمان به مخاطره بیندازد. بنابراین، تکرار اقدامات تروریستی در داخل ایران، یک قمار پرریسک برای تل‌آویو خواهد بود.



پرسش چهارم:

آیا آن گونه که ترامپ گفت به تاسیسات هسته‌ای فردو خسارتی وارد شده است؟ در صورت خسارت وارده احیای توان هسته‌ای چقدر زمان می‌برد؟

۱. هر چند ترامپ در اظهارات خود مدعی شد که سایت هسته‌ای فردو در جریان حملات «کاملاً نابود» شده است. اما: ۱/۱. گزارش سازمان DIA آمریکا (سازمان اطلاعات پنتاگون) تاکید می‌کند که تأثیر مخرب حملات محدود بوده و برنامه هسته‌ای ایران نهایتاً تنها چند ماه متوقف شده است.

۱/۲. طبق گزارش روزنامه «اندپندنت»، حملات نه تنها ذخایر اورانیوم غنی‌شده را نابود نکرد، بلکه احتمال تقویت انگیزه ایران برای پیشبرد فناوری هسته‌ای را افزایش داده است.

۱/۳. گزارش «نیو عرب» و تحلیل دیوید البرایت (محقق سابق آژانس) بر این نکته تاکید دارد: انفجار بمب‌های سنگین ممکن است سطحی موجب تخریب شده، اما عملیات زیرزمینی و هشدارهایی مبنی بر احتمال آسیب‌شناسی محدود منتشر شده‌اند.

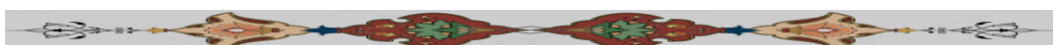
۱/۴. از سوی دیگر رهبری سازمان بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) اعلام کرد که در این سایت، سانتریفیوژها غیرعملیاتی شده‌اند، اما برنامه علامت «نابودی کامل» مورد ادعای ترامپ را ندارد.

۲. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که ادعای ترامپ در سطح «نابودی کامل و از بین رفتن فردو» توسط واقعیت‌های میدانی و داده‌های بین‌المللی به شدت مورد تردید و رد قرار گرفته است. بسته شدن سایت مدت زمانی محدود است، اما فناوری و بخش‌های حیاتی آن هنوز قابل ترمیم یا جابه‌جایی هستند.

۳. در اظهار نظرهای عیان و آشکار چند نکته قابل تامل و بیان است که با اظهارات ترامپ در تناقض آشکار است:

۳/۱. تعویض مکان ذخایر اورانیوم پیش از حمله: بنا به ادعای رسانه‌ها، پیش از حمله، ایران ذخایر اورانیوم خود را به مکانی دیگر منتقل کرده بود. گروسی این موضوع را تایید کرده و در گفتگو با رسانه‌ها اعلام کرد که انتقال انجام شده اما هنوز نمی‌دانند به کجا رفته؟

- ۳/۲. تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های ساختاری تخریب نشان می‌دهد که دسترسی به هسته زیرزمینی ادامه دارد .
- ۳/۳. ساختار مخفی و ضد تحریم فردو: سایت فردو در عمق یک کوه و صدها متر زیر زمین ساخته شده است . چنین ساختارهایی حتی بمب‌های قدرتمند را نیز نمی‌تواند به طور کامل نابود کند. موارد مشابه دیوار کوهستانی‌سازی هسته‌ای موجب مقاومت این تأسیسات در برابر حملات اخیر شد .
- ۳/۴. دانش فنی مداوم و مستقل: شبکه علمی و تحقیقاتی هسته‌ای ایران گسترده است؛ از دانشگاه‌ها تا مراکز پژوهشی، این تجربه طی ده‌ها سال گذشته انباشته شده است. حتی در صورت آسیب‌های جزئی، تجدید ظرفیت‌سازی و راه‌اندازی دوباره سانتریفیوژها امکان‌پذیر و ساختار آن تضمین شده است.
- ۳/۵. تجربه قبلی در برابر تحریم و تخریب.



پرسش چهارم:

- برخی معتقدند که پس از عرصه جنگ فعلی ما وارد یک نزاع در منطقه خاکستری با رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها شده ایم که احتمال خرابکاری و ترور را افزایش می‌دهد در مواجهه با این سناریو چه باید کرد؟**
۱. منطقه خاکستری به مناطقی گفته می‌شود که در آن کشورها از جنگ تمام‌عیار پرهیز کرده اما با عملیات مخفی، خرابکاری، نفوذ اطلاعاتی، حملات سایبری و ترور، فشار روانی و امنیتی به رقیب وارد می‌کنند .
 ۲. کارشناسان امنیتی معتقدند که همزمان با کاهش تهدیدات رسمی، مسیرهای غیررسمی تقویت می‌شوند و احتمالاً حملات در زیرآستانه اعلام رسمی جنگ (shadow warfare) با استفاده از ابزارهایی مانند پهپاد، ویروس‌های سایبری، ترور هدفمند و ... افزایش می‌یابد.
 ۳. این فقط از سوی رژیم صهیونیستی نیست بلکه ایران نیز ممکن است عملیات متقابل با سرعت پاسخ بالا ترتیب دهد؛ چه از طریق نیروهای همفکر و همسو مانند سایر اضلاع محور مقاومت، یا از طریق تیم‌های سایبری و عملیاتی مستقل.
 ۴. برای کاهش ریسک و مدیریت وضعیت، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:
 - ۴/۱. **تقویت امنیت داخلی:** افزایش نظارت و امنیت در مکان‌های حساس مانند ساختمان‌های دولتی، پایگاه‌های نظامی و زیرساخت‌های حیاتی .
 - ۴/۲. **افزایش توان نظام در حوزه پدافند غیر عامل،**
 - ۴/۳. **اشتراک‌گذاری اطلاعات:** بهبود همکاری اطلاعاتی بین کشورها برای شناسایی و جلوگیری از تهدیدات.
 - ۴/۴. **تلاش‌های دیپلماتیک:** ادامه تلاش‌های دیپلماتیک برای حفظ آتش‌بس و کاهش تنش‌ها .
 - ۴/۵. **آگاهی عمومی:** افزایش آگاهی عمومی در مورد خطرات بالقوه و تشویق به هوشیاری.
 - ۴/۶. **آمادگی نظامی:** تقویت آمادگی نظامی برای پاسخ به هرگونه تهدید، از جمله حملات سایبری و تروریستی.
 - ۴/۷. **افزایش توان ضربت متقابل و هم وزن برای افزایش بازدارندگی و تغییر محاسبه دشمن.**